

حرمت حیات

جان جفرسون دیویس

کلمات ساده اما عالی در پیدایش ۱: ۲۶ مبنی بر اینکه خدا انسان را به صورت و شباهت خود آفرید، یکی از مهمترین کلمات در تمام کتاب مقدس است. این آموزه که انسان به صورت و به شباهت خداوند است، حقیقتا بنیان و ضرورتی است برای درک مسیحی از ماهیت انسان، مقام و ارزش یک شخص، و تمام جوانب اخلاقیات مسیحی. هدف این مقاله بررسی مختصر برخی از مفاهیم کاربردی مهم این حقیقت حیاتی و کتاب مقدسی برای زندگی مسیحی و مسائل اخلاقی در عصر حاضر مانند مجازات اعدام، حقوق بشر، سقط جنین و تحقیقات در زمینه‌ی سلول‌های بنیادی است.

آیات کتاب مقدسی که در عهد عتیق و جدید به آموزه‌ی به شباهت خدا مربوط می‌شوند در شماره‌ی دیگری از مجله تبیل‌تاک به طور کامل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برای مقصود ما، تعریف زیر کافیهست که: شباهت خدا در نوع بشر است که انسان‌ها را ظرفیت می‌بخشد تا یک رابطه شخصی منحصر به فرد با خدا داشته باشند. صورت خدا در بشر است که انسانیت را در بر می‌گیرد و کلیت یک فرد را شامل می‌شود - بدن، ذهن، عواطف، اراده، روح - و انسانیت انسان را نمی‌توان تنها به یکی از این جنبه‌ها تقلیل داد. صورت خدا یک دستاورد انسانی نیست، بلکه موهبتی است که در خلقت خداوند به همه‌ی انسان‌ها عطا شده است. هدف از خلقت انسان به شباهت خدا این است که انسان از موهبت رابطه‌ی شخصی با خالق، چه در زندگی فانی و چه در ابدیت برخوردار شود.

تعریف مشخصی که بخش‌های مختلفی از مکاشفات کتاب مقدسی را در بر می‌گیرد می‌تواند به شرح زیر باشد: آفریده شدن در «صورت و شباهت به خدا» به معنای آفریده شدن برای شریک شدن در مقام پسرخواندگی در

سلطنت مسیح است. (نگاه کنید به: پیدایش ۵: ۳؛ کولسیان ۱: ۱۵)، نمایانگر حاکمیت آسمانی خدا بر روی زمین (پیدایش ۱: ۲۶، ۲۸؛ مزمور ۸: ۶-۸)، جلال (مزمور ۸: ۵؛ دوم قرنتیان ۴: ۴)، عادل شمردگی (افسیان ۴: ۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۰). عیسی مسیح صورت حقیقی و کامل خداست که منعکس کننده شخصیت پدر است و به عنوان پسر ابدی از شراکت محبت‌آمیز با او لذت می‌برد. ما به عنوان انسان‌های رهایی داده شده در صورت الهی احیا شده و با فرزندخواندگی به موقعیت و امتیازات فرزند بودن دست می‌یابیم. ما به عنوان کسانی که در شباهت خدا احیا شده‌اند، دعوت شده‌ایم تا قدوسیت و عدالت خالق خود را در تمام افکار، گفتار و اعمال خود منعکس کنیم.

آموزه‌ی کتاب مقدس در مورد آفرینش انسان به عنوان صورت خدا، اساس و بنیاد تمامی اخلاق مسیحی است، زیرا به ما تعلیم می‌دهد که زندگی تمام انسان‌ها دارای ارزش ذاتی می‌باشد و به صورت ابزاری نیست. زندگی ما دارای ارزش است نه تنها از نظر کاری که ممکن است بتوانیم برای دیگران انجام دهیم و بدین گونه برای دیگران مفید باشیم. انسان‌ها صرف نظر از جنسیت، نژاد، وضعیت سلامتی، وابستگی یا فایده اجتماعی و اقتصادی، در منظر خداوند ارزشی بی‌اندازه دارند، اما به سادگی و عمیقاً به این دلیل که انسان در میان تمام مخلوقات خداوند به منظور رابطه شخصی از طریق عیسی مسیح و لذت بردن با خالق جهان طراحی و آفریده شده است.

مفاهیم اخلاقی «شباهت» بر طبق مکاشفه کتاب مقدسی

نویسندگان کتاب مقدس مفاهیم اخلاقی از صورت خداوند را در دو حوزه مهم ترسیم می‌کنند، یعنی مجازات اعدام و کرامت انسانی. در کتاب پیدایش ۹: ۶ آمده است که «هر که خون انسان را ریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود، زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت.» همان طور که هتک حرمت به پرچم یک ملت،

تعرض به ارزش‌های ملتی است که پرچم معرف آن ملیت می‌باشد، تعرض به جان انسان نیز حمله به عظمت خداوندی است که انسان را به‌عنوان نماینده خود در زمین آفریده است.

ممکن است جای سؤال باشد که آیا کلمه «باید» در آیه ۶ تنها به‌عنوان پیش‌بینی برای قصاص و انتقام در آینده است یا به‌عنوان دستوری برای اعدام قاتل. در حالی که از نظر دستوری بر اساس متن عبری هر یک از این دو احتمال امکان‌پذیر است، اما با توجه به متن نوشته شده، با استفاده از تفسیر کلمات به عنوان یک فرمان الهی محتمل‌تر است. این واقعیت که به‌عنوان دلیل ارائه می‌شود - وجود صورت الهی در انسان - باعث این می‌شود که این کلمه به شکل دستوری در نظر گرفته شده باشد. این باور با سایر قوانین عبرت آموز شریعت موسی نیز تطبیق دارد که در بخشی از کتاب اعداد این قانون بطور صریح دستور اعدام قاتل را صادر می‌نماید (اعداد ۳۵: ۲۱-۱۶). این واقعیت که این فرمان در چارچوب عهد با نوح داده شده است، وقتی که آنها را به باروری و تکثیر فرا می‌خواند (پیدایش ۹: ۷؛ همینطور پیدایش ۱: ۲۸)، نشان‌دهنده این است که فرمان اجرای مجازات اعدام محدود به اسرائیل عهدعتیق نمی‌شود، بلکه برای همه ملل و جوامع معتبر است.

در عهد جدید، یعقوب مفاهیم مهمی را از حضور صورت الهی در انسان و در مورد لزوم احترام به کرامت اشخاص ترسیم می‌نماید. او به رفتار متناقض در نحوه استفاده انسان از زبان اشاره می‌کند که برکت و لعنت از یک دهان بیرون می‌آید: «خدا و پدر را به آن (زبان) متبارک می‌خوانیم و به همان مردمان را که به صورت خدا آفریده شده‌اند، لعن می‌گوییم» (یعقوب ۳: ۹). یعقوب به پوچ بودن ستایش خدا و نفرین کردن انسان‌ها اشاره می‌کند، زیرا لعن کردن انسان‌ها در واقع لعن کردن خداست - زیرا مردان و زنان به شباهت خدا خلق شده‌اند. سخت‌گیری یعقوب در مورد نفرین کردن را می‌توان به همه‌ی اشکال آزار کلامی (و فیزیکی) افراد تعمیم داد. چنین زبان توهین‌آمیز و ویرانگری، با شأن ذاتی انسانی که در شباهت الهی خلق شده است، منافات داشته و آزار کلامی، خشونت خانگی و شکنجه، همه و همه نزد خداوند منفور می‌باشند.

توصیه‌ی یعقوب با این پیش فرض صورت می‌پذیرد که شباهت خدا حتی پس از سقوط هنوز در انسان وجود دارد. و این نگاه با تعالیم عهدجدید که به تعبیر دیگری گفته شده است که صورت خدا باید از طریق قدرت تقدیس کننده‌ی کلام و روح در ایمانداران تجدید و بازسازی شود ناسازگاری ندارد (افسسیان ۴: ۲۳-۲۴؛ کولسیان ۳: ۹-۱۰). الهیدانان تمایز ثمربخشی بین صورت تفصیلی که علیرغم سقوط در جهان وجود دارد و صورت مادی که به واسطه فیض در ایماندار تجدید می‌شود، قائل شده‌اند. یک خودروی کاملاً جدید که در اثر تصادف خراب شده است، هنوز به معنای واقعی یک خودرو است، اما از نظر مادی اکنون فاقد زیبایی و عملکردی است که در ابتدا برای نمایش طراحی شده بود.

یعقوب پیش از این در رساله‌ی خود، ایمانداران را از جانبداری ثروتمندان در مجامع مسیحی برحذر داشته است (۲: ۷-۱). چنین جانبداری نقض «شریعت ملوکانه» است که «همسایه خود را مثل خود محبت نما» (۲: ۸). فرمان محبت به همسایه فی‌النفسه مربوط خلق شدن به شباهت خدا می‌باشد، زیرا احترام یکسان به اشخاص، علیرغم تفاوت در موقعیت اجتماعی و اقتصادی، در نهایت مبتنی بر وجود صورت الهی در همه‌ی افراد است.

مفاهیم اخلاقی «شباهت»: برخی از مسائل معاصر

آموزه کتاب مقدس در مورد به شباهت خدا، پیامدهای مهمی بر مسائل معاصر مانند حقوق بشر، حرمت حیات انسان و اخلاق زیستی دارد. مفهوم به شباهت خدا در تمدن غرب، بنیادی برای اصول حقوقی و اعمال حقوق بشر و دموکراسی بوده است. هنگامی که توماس جفرسون در اعلامیه استقلال ایالات متحده نوشت که «همه‌ی انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و حقوق مسلم خاصی توسط خالق به آنها اعطا شده است» پیش زمینه‌ی فکری او از همین آموزه اساسی فصل اول پیدایش نشأت گرفته بود. در حقیقت انسان‌ها از نظر توانایی، مواهب، تحصیلات یا دستاوردها با هم برابر نیستند، بلکه از نظر خلقت مشترکشان در داشتن صورت خداوند برابرند. دانشمند علوم سیاسی، جان هالول، اشاره کرده است که دنیای مدرن که این حقیقت حیاتی از انجیل را فراموش کرده است،

برای شعارهایی مثل «انسان‌ها همه با هم برابر هستند» و همین‌طور «حقوق بشر»، هیچ زیربنایی ندارد؛ چرا که اینها چیزی نیستند جز ساخته‌های جوامع بشری. به همین ترتیب، خود مفهوم دموکراسی، اساس واقعی خود را در این حقیقت حیاتی و کتاب مقدسی می‌یابد. اصول «یک نفر، یک رأی» و اصول برابری سیاسی و خودمختاری، با برابری همه افراد که صورت خدا در آنها یکسان است، سازگار می‌باشد.

در صورت خداست که ایمان مسیحی در موضوعاتی مانند سقط جنین، اتانازی (مرگ راحت) و تحقیقات سلول‌های بنیادی، اخلاق، حرمت زندگی را پایه‌گذاری می‌کند. همان‌طور که در بالا گفته شد، زندگی انسان‌ها به‌عنوان حاملان صورت خدا، به‌واسطه‌ی آفریده شدن توسط خدا، در ذات خود پر ارزش است و تنها ابزاری به‌جهت استفاده نیست. زندگی هر انسان بی‌گناهی مصون از تعرض است و به هیچ وجه ممکن نیست از بین بردن آن توسط شخص دیگری، قانونی یا مجاز باشد. اگر پرسیده شود: «چه زمانی صورت خدا در انسان ظاهر می‌شود؟» بهترین پاسخ کتاب مقدس این است: «در آغاز، در خلقت: وقتی یک انسان زنده حضور دارد، صورت خدا هم حضور دارد». زندگی انسان از لحظه شکل گرفتن نطفه تا لحظه‌ی مرگ طبیعی در نزد خداوند ارزش متعالی دارد و همواره باید به آن احترام گذاشت.

در پایان، یادآوری این موضوع در این برهه از تاریخ ملت ما مفید خواهد بود که ذکر کنیم، پیامدهای اخلاقی به‌شبهت خدا بودن، به احزاب سیاسی "راست" یا "چپ" محدود نمی‌شود، بلکه "حرمت حیات" و "عدالت اجتماعی" را دستور و سرلوحه‌ی کار قرار می‌دهد. این آموزه بنیادی کتاب مقدس از همه مسیحیان می‌خواهد که در افکار، گفتار و اعمال خود، کرامت و ارزش همه‌ی افراد را در هر زمان و در هر شرایطی ارج نهند.

دکتر جان جفرسون دیویس، استاد ارشد الهیات سیستماتیک و اخلاقیات مسیحی در دانشکده مسیحی گوردون کانول می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.